

## بررسی و مطالعه باستانشناختی چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز دهلران

محسن سعادت<sup>۱</sup>

### چکیده

چهارتاقی نویافته گنبد ماهی بیشه دراز، از جمله بناهای مذهبی دوره ی ساسانی در استان ایلام است. مصالح این اثر تاریخی همانند بسیاری از آثار تاریخی دوره ی ساسانی در غرب ایران، از سنگ و ملات گچ بوده است. بنای این چهارتاقی از گونه چهارتاقی های ساده با چهار درگاه باز می باشد که نمونه مشابه پلان این چهارتاقی را می توان در غرب زاگرس، از جمله در بنای چهارتاقی شهر تاریخی صیمره (دره شهر فعلی) چهارتاقی پشته اریش، چهارتاقی چنگیه در استان ایلام و همچنین در بناهای سایر مناطق ایران ملاحظه نمود. داده های سفالی محدوده ی بنا نشان داد که بنا متعلق به دوران تاریخی به ویژه دوران ساسانی است. در این مقاله سعی شده علاوه بر معرفی این بنا به عنوان یک نویافته از چهارتاقی های دوره ساسانی، به تحلیل و مقایسه معماری و سفالینه های آن در طیف زمانی مذکور پرداخته شود.

**واژگان کلیدی:** چهارتاقی، بیشه دراز، پشته ارشت، معماری سنتی، آیین های ایرانی.

---

<sup>۱</sup>- دانش آموخته باستان شناسی از دانشگاه تربیت مدرس .

**مقدمه:** در ارتباط با کارکرد و تاریخگذاری چهارتاقی های با پلان ساده و چهار درگاه در اطراف، که بیشتر پیرامون بنای مورد نظر این پژوهش است، مباحث زیادی مطرح می شود. به نوشته دیتیش هوف: «اصطلاح چهارطاق در اصل یک بنای چهار گوش را می رساند که مشتمل بر چهار قوس در میان جرزهای گوشه ایست یا این که فقط به چهار دیوار ختم می شود و فضای میانی آن با کمک فیلیپوش ها مسقف می شود. این بناها به اعتقاد آندره گدار، ویرانه های آتشکده های ساسانی هستند که به صورت چتری بر روی آتش مقدس کشیده می شده است و آتش از فاصله دور از میان دهانه های چهارطاقی قابل مشاهده بوده است. برخلاف این نظر، شواهد نشان می دهد معابد کهن ایرانی نسبت به فضای بیرون کاملاً بسته بوده است (هوف، ۱۳۶۶: ۴۰۱). به طور کلی فقدان سبک-شناسی و تاریخ گذاری مشخص سبب شده است تا هر نوع بنای چهارطاقی مستقل که فاقد مدارک مشخص تاریخ گذاری است به عنوان آتشکده به این دوره نسبت داده شود. چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز در استان ایلام از جمله بناهایی است که تاکنون از دید بسیاری از پژوهشگران و محققان این رشته پنهان مانده است. بنابراین تحقیق حاضر تلاشی در جهت روشن شدن زوایای باستانی و تاریخی این بناست که در این مقاله به موقعیت جغرافیایی آن، معماری و مصالح بنا، مقایسه پلان با دیگر چهارتاقی ها و ... توجه شده است.

**موقعیت:** شهرستان دهلران، یکی از شهرستان های استان ایلام است که دارای دو اقلیم کوهستانی و صحرائی و نیمه صحرائی است. رشته کوه دینارکوه بخش های شمالی این شهرستان را تشکیل می دهد. روستای بیشه دراز در فاصله حدود ۳۵ کیلومتری شمال

غربی شهرستان دهلران و در کنار جاده ی آسفالتی دهلران به مهران قرار دارد. فاصله این روستا تا مرکز استان ، حدود ۲۱۵ کیلومتر می باشد.

چهار تاقی گنبدماهی در میان ارتفاعات شمالی روستای بیشه دراز که منتهی به دینار کوه می شود و در فاصله حدود پنج کیلومتری این روستا قرار دارد (شکل ۱ و ۲). بنا بر روی یکی از تپه های مرتفع قرار دارد که حدود ۵ متر از سطح زمین های اطراف ارتفاع دارد. بیشتر زمین های اطراف بنا به ویژه ضلع شمالی و جنوبی آن زیر کشت گندم و جو دیم است. در ضلع غربی و جنوبی بنا رودخانه فصلی جاری است که سرچشمه آن کوه های اطراف این مکان باستانی است. بنا در زبان محلی به آن گمه موی (Goma müy) به معنای گنبد ماهی یاد می کنند و معتقدند در داخل بنا قبری وجود داشته که مربوط به صاحب بنا بوده است. در سالهای گذشته بنا دارای سقف بوده که از آن جهت نگهداری دام و علوفه استفاده می شده است.

### روش بررسی

در این نوشتار از روش تفسیری در رویکردی استتاجی استفاده شده و عمده داده های این پژوهش حاصل بررسی بنای موجود و نیز استفاده از منابع کتابخانه ای است. اسناد تصویری شامل تصاویر، پلان و نقشه ها نیز توسط نگارندگان تهیه شده است.

### بحث و مطالعه

در این بخش مصالح ساخت بنا، مشخصات بنا، سفال های جمع آوری شده از سطح و پیرامون بنا و پلان چهارتاقی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

**مصالح بنا:** بررسی ها نشان می دهد، مصالح به کار رفته در ساخت بنا قلوه سنگ، ساروج و گچ است که به صورت پراکنده در اطراف محوطه ملاحظه می شود. همه ی این

مصالح بوم آور هستند و در دیگر آثار این منطقه نیز استفاده شده‌اند. تمام قسمت‌های بنا یکدست با مصالح قلوه سنگ‌های ریز و درشت و ملات گچ ساخته شده است.

**مشخصات بنا:** قسمت‌های شمالی و شرقی بنا از بین رفته است و بیشتر مصالح این قسمت فرو ریخته است. چهارتاقی بر روی تپه‌ای مرتفع به ارتفاع حدود ۵ متر قرار دارد و تا حدودی بر دشت هموار قسمت روبرویی آن اشراف دارد. پلان چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز از چهارپایه مکعب مستطیل شکل که به وسیله طاق‌هایی از هم جدا شده، تشکیل شده است. بنا از بیرون دارای یک طرح دایره شکل است به طوری که در چهار گوشه بنا این طرح گوشه‌وار به وضوح قابل رویت است. مساحت بنا در حدود  $4/5 \times 4/5$  متر می‌باشد. ارتفاع بالاترین ارتفاع باقی مانده ۲/۳۵ متر است. ترسیم و شکل پلان بنا تنها از طریق جرزهای جنوبی و غربی بنا که سالم باقی مانده، قابل مشاهده است. درب ورودی در قسمت جنوب و غرب بنا که سالم مانده است با استفاده از طاق‌هایی تزیین و ایجاد شده است. ارتفاع سالم ترین طاق که در گوشه جنوبی بنا قرار دارد یک متر و ۹۰ سانتی متر اندازه گیری شده است. در گوشه‌های بنا از داخل تورفتگی‌هایی ایجاد شده است که دارای نمای مناسبی است. سقف چهارتاقی نیز از بین رفته ولی بنا به گفته معمرین در گذشته دارای سقفی گنبدی شکل بوده است. در قسمتی از دیواره بنا از داخل سوراخ‌های جهت گذاشتن تیرهای چوبی تعبیه شده است که به نظر می‌رسد جهت نگهداری علوفه و دام در سالهای اخیر ایجاد شده‌اند. در مرکز چهارتاقی آثار حفاری غیرمجاز دیده می‌شود (شکل‌های ۴-۸).

**سفالینه:** اطلاعات ما در مورد سفال‌های دوره ساسانی ناقص می‌باشد که ناشی از عدم توجه کافی به سفال ساسانی در محوطه‌هاست. از این رو دانشته‌های ما در مورد سفال

ساسانی بسیار اندک است و این کاستی ها سبب می شود تا به رغم حجم عظیم سفالینه های پراکنده در سطح محوطه هایی که به این دوره تعلق دارند، نتوان از سفال برای تعیین توالی زمانی مراحل مختلف محوطه های مسکونی این دوره بهره گرفت، این در حالی است که مکان های مهم ساسانی همچون بیشاپور، فیروزآباد، استخر، کوه خواجه، نقش رستم، شوش و تخت سلیمان کاوش کرده اند (محمدی فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۸۰).

لویی واندنبرگ در خصوص سفال های دوره ساسانی تحقیقاتی انجام داده است و معتقد است که سفال در این دوره چندان مورد توجه نبوده و در حد کاربرد معمولی و برای رفع احتیاجات روزمره ساخته می شده است که عموماً به صورت ظروف آشپزخانه، کوزه های آب، خمره برای نگهداری مواد غذایی، تنگ های گردن بلند و کوتاه به تقلید از ظروف فلزی این دوره و نوعی ظرف باریک و کشیده شبیه بطری های کنونی بوده است. از طرفی تشخیص سفال ساسانی از اشکانی به جز در لایه های مربوط به آن مشکل و غیر معمولی به نظر می رسد (توحیدی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). ریچارد اتینگهاوزن مطالعات بیشتری روی سفال دوره ساسانی کرده است. وی عقیده دارد که ظروف سفالی ساسانی توجه بیشتری را نسبت به دوره پارسی به خود معطوف داشته و این توجه مدیون استفاده بیشتر و گسترده تر از لعاب است و شاید نیز به دلیل فعالیت های بیشتر در زمینه کاوشهای نینوا، تیسفون و کیش در بین النهرین و شوش و ری و دامغان در ایران باشد (همان، ۱۹۰). سفال با لعاب شامل کاسه هایی به اشکال گوناگون کوزه، پیاله و خمره بوده که از سفال قرمز رنگ تقریباً خشن ساخته می شده است. سفال های بدون لعاب که بیشتر سفال های دوره ساسانی از این قسم است، ساده بوده و اگر سفالگر نقشی بر آنها نهاده باشد به شیوه قالبی یا مهری بوده است و در سفالهای بدون لعاب نقوش بسیار متنوع تر بوده

است (محمدی فر و مترجم، ۱۳۹۰: ۸۱). به طور کلی شیوه سفال سازی عهد ساسانیان را می توان ادامه ی سنت دوره اشکانی دانست، با این تفاوت که سفال خاکستری به ندرت ساخته می شده است (کیانی، ۱۳۷۹: ۲۲).

سفالینه ها بیشتر از نوع سفالینه های معمولی و به رنگ هایی در طیف های نخودی، آجری، نارنجی و قرمز به وفور استفاده شده است. رنگ خمیره بیشتر سفال ها هم رنگ سطح سفال است. تمپر سفال ها در اکثر موارد شن نرم بود. سفال های این محوطه مربوط به دوران تاریخی به ویژه دوران ساسانی است، هر چند نمونه سفالینه دوره اسلامی نیز مشاهده شده است. تزئینات، بیشتر نقوش به کار رفته بر روی این سفال ها از نوع کنده و افزوده است. نقوش افزوده نیز شامل نقوش طنابی است (شکل ۹). همچنین در برخی از سفال های اسلامی از لعاب سبز استفاده شده است. آثار سفالی به دست آمده از سطح این محوطه با سفالینه های محوطه آتشکده جولیان در آبدانان (محمدی فر و مترجم، ۱۳۹۰)، محوطه های اشکانی منطقه زاگرس مانند مریوان (محمدی فر، ۱۳۸۴)، قلعه یزدگرد (Keall, 1981)، محوطه اشکانی بیستون (Kleiss, 1970) و محوطه ساسانی حاجی آباد فارس (Azarnosh, 1994) است (جدول ۱) قابل مقایسه است.

**مقایسه پلان:** این چهار تاقی از نوع پلان ساده با چهار درگاه باز است می توان آن را با چهار تاقی های غرب ایران به ویژه در استان ایلام مقایسه کرد که از جمله آن می توان به بنای چهار تاقی سرخ آباد دره شهر (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴) چهار تاقی پشت اریشت (VandenBerghe, 1977: 176)، چهار تاقی چنگیه (VandenBerghe, 1977: 183)

و همچنین در سایر مناطق ایران نیز می توان به چهارتاقی داراب فارس (Miroschedji, 1980: 159) بیشترین شباهت را دارد. همچنین باید اشاره شود که استفاده از این نوع چهارتاقی در سایر مناطق ایران به فراوانی استفاده شده است (شکل ۱۰ و ۱۱).

**نتیجه گیری:** استان ایلام یکی از مهمترین مناطقی است که آثار در خور توجهی ازدوره تاریخی و دوران اسلامی را در خود جای داده است، به طوری که پراکندگی و تعداد بی شمار این آثار، نشان دهنده موقعیت استقرار و تمرکز جمعیت این منطقه در دوره تاریخی است.

چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز، از جمله چهارتاقی های ساسانی و ناشناخته در منطقه جغرافیایی استان ایلام است که با مقایسه تیپولوژی و سبک شناسی این اثر با چهارتاقی های همدوره آن در منطقه غرب ایران و دیگر مناطق ایران می توان آن را اثری متعلق به دوره ی ساسانی دانست. استفاده از تیپولوژی و سبک شناسی هنر و معماری دوران تاریخی، یکی از راههای تعیین گاهنگاری بناهای دوران مختلف است. استفاده گسترده از قلوه سنگ و ملات گچ در دوران تاریخی به علت بوم آورد بودن آن در منطقه رایج بوده است. بنا از نظر پلان جزو چهارتاقی های ساده با چهار درگاه باز است که نمونه های قابل مقایسه با آن در غرب ایران وجود دارد. بررسی و گاهنگاری سفال های جمع آوری شده از سطح و اطراف چهارتاقی، نشان می دهد که اثر متعلق به دوره ی ساسانی است. همچنین وجود رودخانه ای فصلی در نزدیکی این چهارتاقی نکته ای بسیار مهمی است، زیرا تعداد بسیاری از چهارتاقی ها و آتشکده های ساسانی در کنار رودخانه ها ساخته شده اند، از جمله این چهارتاقی ها می توان به چهارتاقی سرخ دره شهر (ساریخانی و دیگران، ۱۳۹۱)، آتشکده سیاهکل در ایوان و ... اشاره کرد.

## پیشنهادات

مطالعات بیشتر در مناطق ایلام با تأکید بر شناخت چهارتاقی های منطقه، پاکسازی، حفاظت، مرمت و مقاومت سازی چهارتاقی ها و دیگر آثار تاریخی منطقه، تابلوهای معرفی چهارتاقی و مشخصات آنها از سوی میراث فرهنگی و گردشگری، حفاظت و نظارت مستمر یگان های میراث فرهنگی از چهارتاقی ها، تعیین حریم و عرصه چهارتاقی ها و دیگر بناهای تاریخی.

## منابع

۱. آزاد، میترا (۱۳۸۴). بررسی تحول بناهای مذهبی دوره ساسانی به بناهای مذهبی قرون اولیه اسلامی، رساله دکتری باستانشناسی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
۲. یرنیا، محمدکریم (۱۳۸۴). سبک شناسی معماری ایرانی، تدوین غلامحسین معماریان، انتشارات سروش دانش.
۳. توحیدی، فائق (۱۳۸۲)، فن و هنر سفالگری، انتشارات سمت.
۴. رضوانی، حسن (۱۳۸۴). گزارش کاوش های نجات بخشی محوطه سید شیان کرمانشاه، مرکز اسناد پژوهشگاه باستانشناسی.
۵. ساریخانی، مجید، اکبر شریفی نیا و ندا قنبری (۱۳۹۱). «چهارطاقی سرخ آباد: عبادتگاهی ساسانی-اسلامی»، مجله جلوه هنر، شماره ۸: ۲۸-۲۱.
۶. کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹). پیشینه سفال و سفالگری در ایران، نشر نسیم دانش.
۷. گدار، آندره (۱۳۷۱). هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.



۸. مافی، فرزاد، علی بهنیا و محمد بهرام زاده (۱۳۸۸). «توصیف، طبقه بندی، و گونه شناسی سفال دوره اشکانی شهرستان قروه (کردستان)»، مجله پیام باستان شناس، سال ششم، شماره دوازدهم: ۸۵-۱۰۴.
۹. محمدی، مریم، جواد نیستانی، سید مهدی موسوی کوهپیر و علیرضا هژبری نوبری (۱۳۹۰). «مطالعه ی گونه شناسی- عناصر و اجزای معماری ایران در دوره ساسانی»، نشریه باستانشناسی ایران، دوره اول، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۴.
۱۰. محمدی فر، یعقوب (۱۳۸۴). بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی، پایان نامه برای اخذ دکتری رشته باستانشناسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۱۱. محمدی فر، یعقوب و عباس مترجم (۱۳۹۰). «جولیان: آتشکده نویافته ساسانی در آبدانان ایلام»، فصلنامه باغ نظر، شماره ۱۹، صص ۷۷-۸۸.
۱۲. محمدی فر، یعقوب، علمدار علیان و عادلہ دینلی (۱۳۹۱). «گونه شناسی تحلیلی چهارطاقی های استان اصفهان»، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۸، صص ۸۹-۱۰۰.
۱۳. مرادی، یوسف (۱۳۸۸). «چهارطاقی میل میله گه، آتشکده ای از دوره ساسانی»، مطالعات باستانشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره نخست، سال اول، صص ۱۵۵-۱۸۵.
۱۴. هاشمی زرج آباد، حسن، فرهنگ خادمی ندوشن، سید مهدی موسوی کوهپیر و جواد نیستانی (۱۳۸۹). «چهارطاقی خانه دیو، آتشکده ای نویافته از دوره ساسانی»، مجله باغ نظر، شماره ۱۵، صص ۷۹-۹۲.

۱۵. هوف، دیتريش (۱۳۶۶). گنبدها در معماری اسلامی، ترجمه کرامت الله افسر و محمد يوسف کیانی، در معماری ایران در دوره اسلامی، به کوشش محمد يوسف کیانی، نشر جهاد دانشگاهی: ۴۱۴-۳۹۷.

- Delougaz, P and Kantor, H.J ; ( 1971) Chogha mish the first fire season of Excavation, vol. 1 The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Huff. D. (1987). "Architecture II .Sassanian Period", Encyclopaedia Iranica, vol II, Routledge & Kegan Paul, London and New York, pp. 329-334.
- Kleiss,W.(1970) Zur topograohie des partherhenges in Bistun, AMI, pp 162-167.
- VandenBerghe, L. (1977). Les Chahar taqs du Pusht-I Kuh, Luristan. Iranica Antiqua, XII: 175-190, planche I-VI.
- Wenke,R.J. (1975),Imperial investment and agrical taral development in Parthianan Sasanian Kuzestan 150Bc, to 64 Ad. PH.D Thesis University of Michigan.

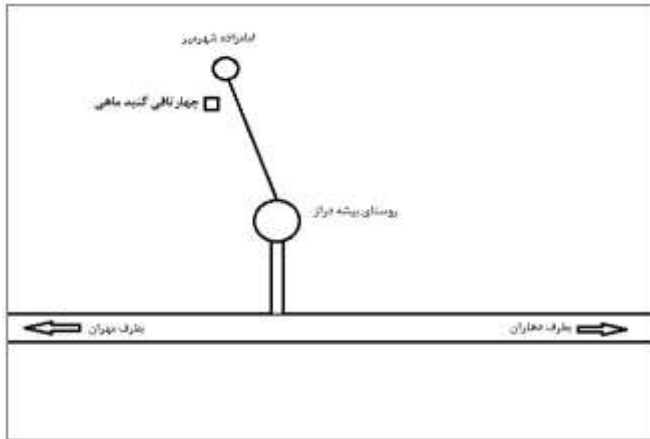
## تصاویر



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی بنای چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز دهلران



نقشه ۲- دورنمای چهارتاقی از نقشه های ماهواره ای (Google Earth)



کروکی آزاد از موقعیت چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز (نگارنده)



تصویر ۲- ضلع جنوبی چهارتاقی (نگارنده)



تصویر ۳- ضلع شمالی چهارتاقی (نگارنده)



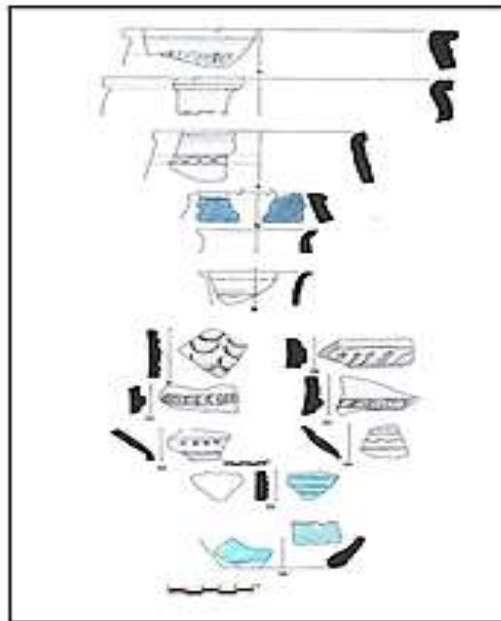
تصویر ۴- ضلع غربی چهارتاقی (نگارنده)



تصویر ۵- طاق سالم برجای مانده- دید از ضلع جنوبی به شمالی (نگارنده)





تصویر ۶- نمایی داخلی چهارطاقی (نگارنده)

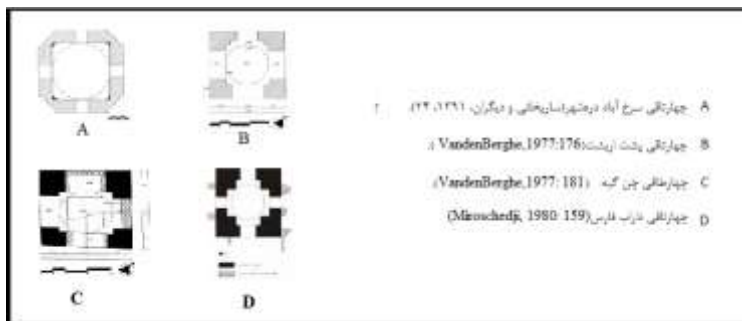


تصویر ۷- تصویر و طرح سفال‌های چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز (نگارنده)



بخش های بازسازی شده بنا   
بخش های سالم بنا 

تصویر ۸- پلان چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز (نگارنده)



تصویر ۹- پلان چهارتاقی ها و آتشکده های قابل مقایسه با چهارتاقی گنبد ماهی بیشه دراز



## Archaeological study of the newly found Quadruple of Gonbad Mahie Bishe Deraz in Dehloran Mohsen Saadati

### Abstract

The newly discovered quadruple of Gonbad Mahie Bishe Deraz is one of the Sassanid religious monuments in Ilam province. Like most of the Sassanid monuments in western Iran, the materials of this monument were made of stone and mortar. The quadruple is a simple one with four open ports similar to the plan of the quadrilateral of west of Zagros, including the quaternary building of the historic city of Seymareh (Darre Shahr) Poshte Arisht quadruple, Chengiye quadruple in Ilam province and other areas in Iran. Pottery data from the area indicated that the building belongs to the historical period, especially the Sassanid era. This article attempts to analyze and compare the architecture and its pottery in the mentioned time range in addition to introducing this building in Sassanid period.

**Keywords:** Quadruple, Bishe Deraz, Poshteh Arisht, Traditional Architecture, Iranian Religions